

شغل رنگارنگی که متقاضی ندارد!

تعداد مریبان مهد کودک در ایران و جهان بسیار کمتر از میزان نیاز واقعی است

گرفته می شوند. دلیل این امر نیز دستمزد پایین نیروی غیرمتخصص است که گاهی از چشم بهزیستی نیز دور می ماند.

باید به این نکته هم توجه کرد در برخی مناطق، امکانات آموزشی و فضای آموزشی مناسب کودکان وجود ندارد. مثلاً بسیاری از مهدهای کودک در بزرگ‌ترین شهرهای ایران در ساختمان‌های فرسوده مستقر شده‌اند و امکانات به‌روز و کافی در اختیار مریبان خود قرار نمی‌دهند.

همه‌چی یادش بده!

علاوه بر این‌ها، یکی از بزرگ‌ترین مشکلات مریبان مهد کودک، فشار زیاد و گاهی غیرواقع‌بینانه والدین در مورد مهارت‌آموزی کودکان است. در روزگار کنونی که به‌خصوص در کشور خودمان، شاهد مسابقهٔ کلاس رفتن و مهارت یافتن کودکان از سن پایین رو به افزایش است، بسیاری از والدین از مربی انتظار دارند مهارت‌های پیچیده و نامناسب متنوعی را در زمان کوتاه حضور کودک در مهد، به او آموزش دهند. این در حالی است که روانشناسان معتقدند در سنین پیش از دبستان، مأموریت محیط‌های آموزشی باید بر بازی و پرورش خلاقیت کودکان استوار باشد و نه آموختن چند زبان و ریاضی و ساز زدن و بسیاری از مهارت‌هایی که هر روز بیشتر مد می‌شود. این فشار، به‌ویژه در مهد کودک‌های خصوصی و رقابتی، بار مضاعفی بر دوش مریبان می‌گذارد.

با وجود سختی و پیچیدگی کار مریبان، معمولاً نسبت به معلمان سایر مقاطع بسیار کمتر دیده می‌شوند و از آن‌ها قدردانی می‌شود. مربی مهد کودک گویا شغل کم‌اهمیت و پیش پا افتاده‌ای دارد که از نظر دیگران احتمالاً هرکسی از پس آن برمی‌آید.

وقتی موضوع را از تمام زوایا بررسی می‌کنیم، می‌توانیم به این نتیجه برسیم که مشکل مربیگری مهد یکی از مسائل مهم حداقل در حوزهٔ خدمات عمومی در دبستان است که در آینده بفرج‌تر هم خواهد شد. پیگیری مسائل صنفی این قشر، بدون داشتن تصویر جامعی از مسائل و مصائب شغلی آن‌ها، غیرممکن است. اگر خواهیم به بحث جوانی جمعیت نگاه واقع‌بینانه داشته باشیم، باید در نظر بگیریم که یکی از مهم‌ترین موانع فرزندآوری در زوج‌های امروز کشورمان، مسئلهٔ مراقبت از کودک به‌خصوص در سال‌های نخست زندگی است. بنابراین باید برای افزایش تعداد مریبان متخصص مهد کودک برنامه‌ریزی جدی انجام شود.



شاگرد هر مربی حداکثر باید ده تا باشد. این نسبت بسیاری از اوقات در کشور ما نقض می‌شود و تعداد بیشتری دانش‌آموز در کلاس یک مربی هستند که رسیدگی به آن‌ها دشوار است.

همه به دنبال مربی مهد کودک

به همین دلایل است که امروز بسیاری از کشورهای صنعتی و ثروتمند، با کمبود شدید مربی مهد کودک مواجه هستند و گاهی در برنامه‌ریزی‌های کلان خود به راهکارهایی مثل آموزش و استخدام مربی مهد کودک از میان مهاجران اشاره می‌کنند. در کشور مثل استرالیا، حدوداً ۲۰ هزار کمبود نیروی کار در مهد کودک وجود دارد. در انگلستان، آمریکا و کانادا نیز، کمبود مربی مهد کودک کاملاً مشهود است و مشکلاتی ایجاد کرده است. مثلاً در کشورهای اروپایی، بسیاری از والدین باید برای ثبت‌نام کودک خود در مهد کودک‌های خوب، ماه‌ها در صف انتظار باقی بمانند.

کشور آلمان برآورد کرده که تا سال ۲۰۳۰ بیش از ۲۰۰ هزار نیروی کار تازه، برای استخدام در مهدهای کودک نیاز دارد که برای جذب آن‌ها باید برنامه‌ریزی جدی انجام شود.

از طرفی در بسیاری از کشورهای فقیر، مریبان در معرض آموزش مدام نیستند. یعنی فرصت این را ندارند که خودشان را با دستاوردهای تازهٔ علوم تربیتی و روانشناسی رشد و کودک همراه کنند. به همین دلیل، نگرش آن‌ها به‌موضوع نگهداری و آموزش کودکان سنتی باقی می‌ماند. مثلاً در کشور خودمان بسیار دیده شده که مریبانی بدون تحصیلات مرتبط و تجربهٔ کافی به کار

است. این موضوع، علاوه بر تلقی غلط از سختی این شغل، به‌خصوص در کشور ما معلول ساعت کار کوتاه مریبان مهد است که ممکن است آن‌ها را از پوشش بیمهٔ کامل خارج کند. به‌خصوص مریبانی که مثلاً در دورهٔ پیش دبستانی اول و دوم، وظیفهٔ آموزش کودکان را بر عهده دارند و نه نگهداری آن‌ها را.

کار زیاد، حقوق کم!

در ایالات متحده، میانگین حقوق سالانه مریبان مهد کودک به سختی از مرز ۲۵۰۰۰ دلار فراتر می‌رود. در کشورهای در حال توسعه این رقم بسیار کمتر است. این موضوع باعث می‌شود بسیاری از کسانی که علاقه‌مند و مستعد کار با کودکان هستند، یا اصلاً وارد این شغل نشوند و یا خیلی زود آن را ترک کنند.

یک مربی مهد باید هم‌زمان نقش معلم، مراقب، روانشناس و حتی میانجی را ایفا کند. مدیریت رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی کودکان، رسیدگی به نیازهای متنوع آن‌ها و پاسخگویی به انتظارات والدین، می‌تواند خیلی زود باعث فرسایش ذهن مریبان شود. مطالعات نشان می‌دهد که مریبان مهد کودک در اروپا و آسیا نسبت به گذشته از نظر جسمی و روحی فرسوده‌تر شده‌اند، به‌ویژه در مناطقی که نسبت مربی به کودک بالاست. یعنی تعداد زیادی از کودکان در یک کلاس و تنها با یک مربی هستند. نسبت تعداد شاگرد به مربی در مهد کودک نسبت استاندارد است که باید رعایت شود. مثلاً در دنیا این‌طور برآورد می‌شود که تقریباً برای هر چهار کودک زیر سه سال، باید یک مربی استخدام شود و در مقاطع بالاتر تعداد

سروش غفاری

روزنامه نگار

گزارش

دربارهٔ شغلی حرف می‌زنیم که در نگاه نخست، یکی از بهترین شغل‌های دنیاست. حضور در محیط شاد و پرجنب و جوش در میان در و دیوارهای رنگارنگ با فعالیت‌های متنوع؛ اما آیا این همهٔ حقیقت «مربی مهد کودک» بودن است؟ قطعاً نه... اگر شما کودکی داشته باشید و با مشکلات بچه‌داری آشنا باشید، می‌توانید با شبیه‌سازی تصور کنید که نگهداری از چندین کودک چقدر سخت‌تر است. بنابراین، پری‌راه نیست اگر بگوییم که این شغل یکی از سخت‌ترین شغل‌های دنیاست. به‌خصوص که در کنار سختی‌ها، از پرمسئولیت‌ترین شغل‌ها هم هست.

وقتی در اتاق مهد کودک شما را با چندین کودک تنها می‌گذارند، مسئول سلامت آن‌ها هستید و باید برای هر آسیبی، هرچند ناچیز پاسخگوی والدین آن‌ها باشید. آسیب‌هایی که در خانه هم ممکن است اتفاق بیفتد. بنابراین مریبان مهد کودک معمولاً در طول روز استرس زیادی را تحمل می‌کنند.

از سوی دیگر، والدین هم از برخورد غلط و گاه آسیب‌زنندهٔ برخی مریبان مهد کودک گلایه دارند. در سال‌های اخیر گزارش‌های غیررسمی از دادن داروی خواب‌آور به کودکان، کتک زدن و تنها گذاشتن کودکان در کلاس دهان به دهان می‌چرخد.

یک لحظه غفلت از کودکانی که همهٔ وجودشان میل به تحرک و تجربهٔ جهان دارد، ممکن است منجر به حوادث غیرقابل جبرانی شود.

نخستین دغدغهٔ مادران شاغل

باید این نکته را در نظر داشت که با افزایش تحصیلات و اشتغال در زنان، هرروز تعداد زنانی که برای مراقبت از کودکانشان نیاز به کمک دارند افزایش می‌یابد. بنابراین، طبیعی است که تعداد مهدها و مربی‌ها افزایش داشته باشد؛ افزایشی که گاه متناسب با پتانسیل‌های نیروی انسانی و حتی مکانی مناطق مختلف نیست. برای این منظور، سال‌ها قبل رشتهٔ دانشگاهی نیز برای تربیت مریبان مهد و پیش‌دبستانی تأسیس شد که تعداد فارغ‌التحصیلان آن بسیار ناچیز است.

مسائل و مشکلات مریبان مهد کودک تنها منحصر به کشور ما نیست. بلکه در بسیاری از کشورهای دنیا، یکی از شغل‌هایی که با کمبود نیروی کار در سال‌های اخیر مواجه بوده است همواره شغل مربیگری مهد است، زیرا این شغل حرفه‌ای پرزحمت و در عین حال کم‌دستمزد است. درآمد مریبان مهد معمولاً بسیار کم

گزارش

پای درددل مریبان مهد کودک که بنشیننی، شاه‌بیت گلایه‌هایشان درآمد کم و نبود امنیت شغلی است. این مقدمه شاید خلاصه آن چیزی باشد که در این گزارش می‌خوانیم. بسیاری از کسانی که مهد کودکی تأسیس می‌کنند، بیشتر از آنکه دغدغه کودکان را داشته باشند، به دنبال سود مالی هستند. البته طبیعی است هرکسی که کسب و کاری راه می‌اندازد، به دنبال سوددهی آن باشد، اما برخی از مؤسسات مهدهای کودک و پیش‌دبستانی‌های خصوصی، اولویتشان پول است. بسیار دیده می‌شود که کسی بدون هیچ دغدغه و سواد قبلی، با استفاده از مدرک دانشگاهی یک روانشناس مجوز تأسیس مهد کودک می‌گیرد و فکر می‌کند با تکیه بر رویکردهای سنتی و بازاری می‌تواند آن را تبدیل به یک بنگاه اقتصادی پرسود کند. این شغل بسیار پرمسئولیت و اضطراب‌آور است، اما اگر نبض بازار و علایق والدین دستت باشد، می‌تواند کسب و کار بسیار پرسودی هم باشد.

اما چقدر از این گردش مالی نسبتاً خوب، به حساب مریبان مهد کودک به عنوان مهم‌ترین عناصر حیات مهد کودک وارد می‌شود؟ واقعیت این است که بسیار کم.

تنوع شغل در مهد کودک بسیار بیشتر از چیزی است که به نظر می‌آید. مثلاً بسته به اینکه شما مسئول نگهداری از شیرخواران باشید و یا تنها روزی سه ساعت به پیش‌دبستانی‌ها آموزش دهید، ماهیت شغل‌تان ممکن است بسیار متفاوت باشد. بعضی از مریبان مهد حتی بیشتر از ساعت کار اداری مصوب سر کار می‌مانند.

خدمتکار نیستم!

ستاره ۲۳ ساله است. دانشجویی یکی از رشته‌های هنر است و به خاطر علاقه‌اش به کار در حوزه کودکان وارد این شغل شده است. او می‌گوید: «اولش به عنوان کارآموز

پای بچه منو می‌بندی به میز؟

اگر کمی در فضاهای مربوط به کودکان خردسال و پای گفت‌وگوی مردم بنشینیم، متوجه می‌شویم که مهد کودک موضوع بسیار مهمی برای بحث والدین در این فضاهاست.

«بچه رو کجا می‌فرستی؟»، «چی یادش می‌دن؟»، «غذاش خوبه؟»، «من گئی فلان مهد به بچه‌ها خواب‌آور می‌ده!»

مریم مادر شاغلی است که دخترش را از هفت صبح تا شش عصر به مهد می‌سیارد. او از این بابت خوشحال نیست ولی می‌گوید چاره‌ای ندارد: «من سرپرست دخترم هستم. بنابراین باید کار کنم. در یکی از کارخانه‌های شهرک صنعتی، ناظر کیفیت هستم. مسئولیت‌م هم سنگین است. صبح زود باید راه بیفتم که بتوانم سر وقت کارت برزم.»

او می‌گوید: «با اینکه حداقل ده تا مهد کودک را در منطقه خودمان گشتم و سعی کردم بهترینشان را انتخاب کنم، باز تمام روز اضطراب دارم. همه‌اش به مسئول مهد رنگ می‌زنم که چک کنم بچه ناهار خورده؟ دل درد ندارد؟ آن‌ها هم شاکمی هستند و مستقیم و غیرمستقیم می‌گویند که نباید این قدر مزاحمشان شوم. ولی من مادرم! باید این را درک کنند. بعضی وقت‌ها که مشکلی هست برای مربی بچه پیام می‌گذارم اما دیر جواب می‌دهد. می‌گوید ۱۵ تا بچه دیگر هم هستند که باید مدام به والدینشان پاسخگو باشد. این برای من قانع‌کننده نیست. وقتی سر و کار شما با کودکان است، باید این را هم بپذیرید که چه مسئولیت بزرگی به عهده گرفته‌اید.»

افشین پدر دو پسر دوقلو است. او و همسرش هردو کارمند هستند. خانواده هردو در شهر دوری زندگی می‌کنند. بنابراین تمام مسئولیت دوقلوها روی دوش خودشان است. او می‌گوید: «من فکر نمی‌کنم مربی‌های مهد زیاد باسواد باشند. بچه‌های من در کلاس حرف‌های بد یاد می‌گیرند. رفتارهای عجیب و غریبی با خودشان به خانه می‌آورند. این نتیجه چیست؟ یا مربی تمام مدت بالای سرشان نیست، یا اینکه نمی‌داند چطور باید آن‌ها را کنترل کند.» افشین می‌افزاید: «هرسال هم شهریه زیاد می‌شود. این افزایش تناسبی با افزایش درآمد من و همسرم ندارد. تازه هرروز غروب که خسته از سر کار برمی‌گردیم، مربی یادش می‌افتد پیغام بدهد که فلان چیز را برای بچه‌ها بخريد که فردا فلان کاردستی را درست کنند. در صورتی که همان اول سال یک عالمه پول بابت لوازم التحریر و خرده‌ریزه‌های دیگر از ما گرفته‌اند.»

سلیمه مادری است که پسرش در چهار و نیم سالگی تشخیص بیش‌فعالی گرفت. به گفته خودش موضوع آن قدر حاد نبود که بخواهند به آموزش متفاوتی برای او فکر کنند. او می‌گوید: «من خودم معلم هستم. تمام مشکلات را درک می‌کنم. از صبح تا ظهر با انواع و اقسام بچه‌ها سرو و کله می‌زنم. انتظار زیادی هم ندارم. اما شما فکرش را بکن، یک روزی من متوجه شدم پای بچه مرا به میز بسته بودند. خونم به جوش آمد و رفتم مهد کودک را روی سرشان خراب کنم. جوابی که گرفتم این بود که گفتند مربی نمی‌تواند جلوی شیفتن او را بگیرد و گفتند کار آن‌ها بهتر از بعضی مهدهاست که به بچه بیش‌فعال دیفن‌هیدرامین می‌دهند تا بخوابد! این جوابی است که دادند و من هم فوراً بچه‌ام را برداشتم و آوردم بیرون.»

او توضیح می‌دهد: «تصمیم گرفتم بچه را فقط و فقط در مهدی ثبت‌نام کنم که دوربین مداربسته‌اش تمام مدت به گوشه‌ای ام وصل باشد. راستش دیگر به هیچ مربی‌ای اعتماد ندارم. انصاف دارند.»



وقتی خط مقدم تربیت را نمی‌بینیم

سهم بسیار ناچیز مریبان مهد کودک از گردش مالی این حوزه

بیرون. آنجایی که بازرس بیمه آمد و ما را فرستادند داخل اتاق انباری و گفتند تا بازرس اینجاست بیرون نیایید. من هم همین کار را کردم. چون نمی‌خواستیم نان دیگران را آجر کنم. فرادیش رفتم گفتم یا مرا بیمه کنید یا تسویه کنید بروم. آن‌ها هم گفتند به سلامت. این همه دختر کم سن و سال هست که دنبال کار می‌گردند و دنبال بیمه هم نیستند.»

من مربی کودکانم نه ویروس‌ها!

سارا می‌گوید: «من در مهد خوبی هستم. از این بابت خدا را شکر می‌کنم. مدیر ما به حقوق کارمندان حساس است. مشکل اصلی من والدین هستند. هزارچیز توقع دارند. انتظار دارند من مثلاً در کلاس، ربانیک هم به بچه‌شان یاد بدهم. یک دوره مربی چرتکه و ربانیک آوردیم. والدین شاکمی شدند که نباید این چیزها برود داخل فوق برنامه. چون برای ساعت‌هایی که بچه‌هایشان آنجا هستند پول داده‌اند و نمی‌خواهند برای مربی دیگری پول اضافه بدهند. من هم راستش دوره‌های نقاشی کودک و نمایش را دیده‌ام. دیگر لزومی نمی‌بینم بروم ربانیک و اسکرچ و ارف هم یاد بگیرم. ما نمی‌توانیم مربی همه‌چیز باشیم.»

او درباره خواسته‌های عجیب و غریب والدین ادامه می‌دهد: «یا مثلاً من از هفت صبح تا سه بعد از ظهر یک‌سره با ۱۵ تا بچه هستم. از تمیز کردن سر و وضعشان، تا ناهار دادن و آموزش و بازی آن‌ها به عهده من است. وقتی می‌روم خانه فقط به آرامش نیاز دارم. هرروز هم گزارش کاملی از کارم در گروه تلگرام کلاس می‌گذارم. اما وقت و بی‌وقت از مادرها تماس دارم که امروز بچه من ناهار خورد؟ امروز بچه من با دوستش کتک کاری کرد؟ در صورتی که من گفته‌ام فقط از ساعت ۷ تا ۷ تماس بگیرند ولی اصلاً به زندگی شخصی آدم

احترام نمی‌گذارند. حس می‌کنم شغلم ۲۴ ساعته است. مثلاً مدام شکایت دارند که چرا بچه من مریض شد. مگر ما می‌توانیم جلوی گردش ویروس در یک محیط بسته را بگیریم. حالا خدا نکند که شیش هم بیاید.»

با این پول نمی‌صرفد!

شیرین هم می‌گوید: «آقا جان تعارف که نداریم، حقوق ما کم است. اصلاً حقوق وزارت کاری برای یک مربی مهد کم است. زحمت این کار خیلی بیشتر از این حرف‌هاست. یعنی این‌طور نیست که چند ساعت بروی بنشیننی یک گوشه و بعد هم بیایی خانه. جدا از استرسی که بابت مسئولیت بچه‌های مردم داری، همیشه توی خانه و اداره دست ما چسب و قیچی و کاغذرنگی است. همیشه داریم یک چیزی آماده می‌کنیم. ساعت ناهارمان هم می‌دهند انگار داریم آنجا خودمان را باد می‌زنیم. من ده سال است در این شغل هستم. به جرأت می‌توانم بگویم هفتاد درصد کسانی که در این ده سال آمده، باید چال ماندند و بعد گذاشتند رفتند سراغ شغل دیگری. چون هرچقدر هم عاشق بچه‌ها باشی (که خود من هستم) واقعاً نمی‌صرفد.»

همان‌طور که در ابتدای گزارش عنوان شد، نداشتن درآمد متناسب و امنیت شغلی، مهم‌ترین دغدغه مریبان مهد است. این شغل گرچه یکی از مشاغل حیاتی جامعه است که بدون آن زنان شاغل زیادی خانه‌نشین می‌شوند، اما در جامعه به اندازه کافی جدی گرفته نمی‌شود. بنابراین برای شناخت مسائل و مشکلات شاغلان در این حرفه، باید قبل از هر چیزی دید درستی به ماهیت آن داشته باشیم. ما از این است که تازه می‌توانیم به پیدا کردن راهکار فکر کنیم.